

نگاهی به زندگی شهید بهشتی از دل آثاری که درباره ایشان منتشر شده است

مردی به بزرگی یک ملت

الهام یوسفی

پرونده

«او یک ملت بود» این جمله را امام (ره) درباره مردی گفت که هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ منافقین اورا همراه ۷۲ نفر از مردانش در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رساندند. اکنون پس از گذشت بیش از ۳۷ سال از آن حادثه تلخ و تکان دهنده، وقتی به زندگی آیت‌ا...دکتر «سید محمد حسینی بهشتی» نیم‌نگاهی می‌اندازیم، توصیف امام معنا پیدا می‌کند. بهشتی مردی بود که زندگی شخصی‌اش فراتر از کلیشه‌های مر سوم و ساختگی جریان داشت، در مظلومیت کار کرد و در مظلومیت مضاعفی در راه آرمان اصیل اسلام و انقلاب مبارزه کرد. سرانجام نیز شهادتش تصویر پایانی و درناکی از مظلومیت را به نمایش گذاشت. زندگی‌اش معجونی بود از ایمان، مبارزه در راه حقیقت و راستی، صبر بر دشواری‌های مسیر مبارزه و نیز گذشتن از بند هر چیز در راه هدف و الای انسانی... حتی آبرو! شناختن و عمیق شدن بر ابعاد شخصیتی این مرد بزرگ زمان ما، که به گواهی خانواده و دوستانش در زندگی شخصی نمونه کاملی از تعادل بود و در جایگاه سخت و پر مسئولیت قضاوت، مردی خداترس و حساس، می‌تواند تصویری انسانی و زیبا از مسیر درست و پاکیزه زیستن را بر ایمان رسم کند. تصویری که این روزها همه ما بیش از هر چیزی به آن محتاجیم. به بهانه هفتم تیر ماه، سالروز شهادتش، در این پرونده بر خی از بهترین کتاب‌هایی که درباره او نوشته شده را معرفی کرده‌ایم.

معرفی کتاب‌هایی درباره زندگی و زمانه شهید بهشتی

بهشتی بودن به روایت کلمات

درباره شهید بهشتی زندگی و زمانه‌اش هر قدر کتاب نوشته شود کم است و هر قدر هم کتاب خوانده شود، باز کم است. کتاب‌های مختصر و مفصل بسیاری به قلم مورخان و محققان تاریخ و شیفتگان شخصیت او نوشته شده است. کتاب‌هایی که هر یک از زاویه‌ای به زندگی او پرداخته‌اند و زمانه او را روایت کرده‌اند. بدون شک خواندن این کتاب‌ها نمی‌تواند همه ابعاد زندگی و شخصیت شهید مظلوم آیت‌ا... بهشتی را به مخاطب عرضه کند و هر اثری تنها می‌تواند روایت گر بخش کوچکی از زندگی او باشد اما هر کتاب می‌تواند سرنخ‌هایی به خواننده بدهد برای مطالعه آثار بیشتر و جدی‌تر از زندگی یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های سیاسی – دینی معاصر ایران. در ادامه بخشی از بهترین کتاب‌هایی که درباره او نوشته شده است را معرفی کرده‌ایم.

عنوان کتاب: صد دقیقه تا بهشت

مولف: مجید تولایی

ناشر: روزنه

تعداد صفحه: ۱۰۴

کتاب «صد دقیقه تا بهشت» یکی از بهترین کتاب‌هایی است که سیره عملی شهید بهشتی را با قلمی زیبا، صریح، دقیق و مستند به رشته تحریر درآورده است. این کتاب شامل صد خاطره و برش از زندگی آیت‌ا... بهشتی است که خواندنش قطعا صد دقیقه هم وقت شما را نمی‌گیرد. این صد خاطره از بهشتی بزرگ با عکس‌های کمتر دیده شده از او همراه شده است. بخشی از خاطرات این کتاب را در همین پرونده خواهید خواند.



عنوان کتاب: بهشتی در قاب

(گفت‌وگوهایی درباره سید محمد حسینی بهشتی)

گفت‌وگو و تدوین: بهار درنجبران

ناشر: پیام آزادی

تعداد صفحه: ۱۵۴

نزدیک به سه دهه از شهادت دکتر بهشتی می‌گذرد اما هنوز عقایدش بکروفرقارش در موقعیت‌های مختلف جالب و شگفتی‌آور است. کتاب «بهشتی در قاب»، بازخوانی پروژه فکری شهید بهشتی از طریق مصاحبه‌هایی است که در باب شخصیت



این مرد بزرگ تاریخ انقلاب ایران با خانواده، دوستان، همکاران و نزدیکان ایشان صورت گرفته است. کتاب شامل ۱۰ مصاحبه با «علیرضا بهشتی»، «محمد باقر قالیباف»، «ابوالقاسم سرحدی زاده»، «حیدرعلی جلالی خمینی»، «ملوک السادات بهشتی» و «حجت الاسلام مشکینی خمینی» است. عنوان تعدادی از این گفت‌وگوها عبارت است از: بهشتی و گفت‌وگوهای سیاسی امروز؛ آزادی در پرتوی عدالت محوری؛ ویژگی‌های فردی و کنش‌های جمعی؛ و شهید بهشتی و بنیادی به نام خانواده.

دفاع ما مقایسه کرد.

● شعار، همراه با عمل

بالای وضوخانه نوشته بودیم: «النظام من الایمان» اما کمتر فرصت می‌کردیم داخل آن را نظافت کنیم. این وضع را دید، فوراً تذکر داد که یا این شعار را بردارید و یا مطابق آن رفتار کنید و نگذارید این جا کثیف باشد.

● احترام به قوانین انسانی طاغوت

«چراغ قرمز اول رو که رد کرد، بهشتی خیلی تحمل کرد که چیزی نگه. دومین چراغ بود که دیدگه صداش در اومد.

گفت: اگه از این هم بگذری دیدگه نمی‌شه پشت سرت نماز خواند. تکرار گناه صغیره...» طرف با حالت حق به جانبی گفت: «این ها قانون طاغوته باید سرپیچی کرد». بهشتی با ناراحتی دست گذاشت و را دشو رو دو محکم گفت: «این ها قوانین انسانیه، عین انسانیت...»

● قرض الحسنه به جای پول مفت

فکر کردم اگر بگویم میز تحریر می‌خواهم، حتماً برایم می‌خرد. پسر بزرگ بود و عزیز. قیمت میز چندین برابر پول ما هیهانه‌ام بود. وقتی شنید که میز لازم دارم، پول میز را داد و گفت: «این قرض الحسنه است. قسط هایش را هم از پول ماهیانه‌ات کم می‌کنم. موافقی؟»

● پخش تکنید، آبرویمان می‌رود

با غرور گفتند که باید مناظره کنیم. حتماً هم بهشتی باید طرف مناظره ما باشد. هشت نفری نشسته بودند و به روی

عنوان کتاب: سرچشمه

(داستانی درباره شهید بهشتی)

نویسنده: یعقوب توکلی

ناشر: دفتر نشر معارف

تعداد صفحه: ۱۲۰

«یعقوب توکلی» تاریخ‌نگار و پژوهشگر حوزه تاریخ معاصر و عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی است. وقتی چنین کسی به سراغ نوشتن کتابی درباره شخصیتی تاریخی می‌رود باید انتظار اثری مستند و موثق بایستوانه قوی تاریخی داشته باشید. اثری که از همان ابتدا مشخص است برای مخاطبان جدی‌تر عرصه پژوهش پیرامون شخصیت شهید بهشتی نوشته شده است اما به هر حال کتاب «سرچشمه» داستانی درباره شهید بهشتی است و داستان او هم برای همگان خواندنی و الهام‌بخش است. این کتاب با روایتی داستانی تلاش می‌کند پرده از چهره کمتر شناخته شده و مظلوم مانده بهشتی بردارد. این کتاب باروایت داستانی، حجم کم و صفحه آرای جداب، برای همگان خواندنی و قابل استفاده است.



عادت کرده باشد، این‌جا هم برایش کار سختی نیست.

● تا این حد حرف‌های

ساعت جلسات ۴ تا ۲ بعد از ظهر بود. دکتر ۱۰ دقیقه زودتر در دفتر سیاسی حزب حاضر می‌شد تا روی چند صندلی که کنار هم می‌چید، اندکی استراحت کند. مقید بود که حتماً لباسش را در آورد تا چروک نشود. همین ۱۰ دقیقه کل زمان استراحت روزانه دکتر بود.

● در هر حال، توهین ممنوع

به اتفاق دکتر و محمدرضا – فرزند ارشدش – نزدیک قبرستان قدیم می‌زدیم. می‌دانستیم که قبر مار کس هم همان جاست. شوخی شوخی گفتیم این دو سگ هم دارند می‌روند سر قبر مار کس، فاتحه بخوانند و به دو تا سگ که داشتند کمی دور تر می‌رفتند اشاره کرد. دکتر بلافاصله رو به من کرد و گفت: «اگر ما فکر مار کس مخالف هستیم نباید به او توهین کنیم. ادب در کلام لازم است، چه فرد کافر باشد چه مسلمان».

● خدا باید از من دفاع کند

یک روز در مجلس خبرگان به دکتر گفتیم شما چرا در مقابل این همه توهین از خودتان دفاع نمی‌کنید؟ در جواب آیه‌ای خواند و گفت فلانی من نباید از خودم دفاع کنم، بلکه باید آن قدر ایمان خودم را قوی کنم که خداوند از من دفاع کند و جواب این‌ها را بدهد. چون وعده خدا حق است، من به این وعده اعتقاد دارم، بعد هم افزود دفاع خدا را که نمی‌توان با

کتابی در شأن و منزلت شهید بزرگ



محمد رضا زاری نویسنده و پژوهشگر

از حدود ۲۸-۲۷ سال قبل که با کتاب‌های دایرة المعارفی انتشارات دی کی انگلستان آشنا شدم همیشه از زوداشتم که کارهایی در سطح کیفی آن‌ها برای محتوای فکری و تاریخی و دینی و ملی خودمان انجام گیرد. طبیعتاً این آرزویی دشوار و دور از دسترس به نظر می‌آمد، زیراتحقق آن به چندین عنصر و عامل متفاوت و مختلف بستگی داشت. لازمه انتشار چنین آثاری برخلاف هنر و ادبیات فردی مانند شعر و داستان، کار مشترک و تیمی یک گروه منسجم از پژوهشگران و نویسندگان و طراحان و مدیران تولید است که با در زمانی نسبتاً طولانی باتوافق و هماهنگی کامل دست به دست هم دهند و به نتیجه برسند و کاملاً طبیعی است که چنین کارهای گروهی و منسجم در فضای فرهنگی و اجتماعی ماچندان آسان نیست. این آرزو همچنان در دل من بوده و محقق نمی‌شد و حتی زمانی که طرح تولید «دانشنامه اسلامی برای نوجوانان» را زیر نظر استادسید مهدی شجاعی تدوین کردم کار آغاز شد باز هم فرم و قالب گرافیکی و تصویری از محتوای تولید شده عقب ماند و نتیجه کار آن که می‌خواستیم نشد. اواسط دهه هشتاد که سر دبیر روزنامه همشهری بودم به بهانه یکی از ویژه نامه‌های روزنامه با گروهی از دوستان خوش ذوق و جوان و خلاق و توانمند آشنا شدم و انتشار موفق آن ویژه نامه ایده‌هایی برای کارهای بزرگ‌تر رقم زد. یکی از آن دوستان که از نویسندگان اصلی و طراح محتوایی بود امروز به عنوان مؤلف موفق و پژوهشگر مطرح آثار تاریخی و دایرة المعارفی شناخته می‌شود. جعفر شیرعلی نباد این سال‌ها آثار برجسته‌ای در معرفی تاریخ معاصر، تحلیل دفاع مقدس و پرتره‌نگاری شخصیت‌های انقلاب اسلامی مانند امام (ره) و رهبری عرضه کرده است. حدود سه سال قبل که مسئولیت یادمان شهادی هفتم تیر «سرچشمه» را بر عهده داشتم موضوع تولید یک اثر در معرفی شهید بهشتی به مخاطب



روایت‌های بهشتی

خرده روایت‌هایی از زندگی شخصی و کاری دکتر بهشتی

جلوی سمت راست ماشین فلان صدا را داد و یا این که قبلاً در هر صد کیلومتر، مصرف بنزین ماشین این قدر بود و حالا تغییر کرده است و امثال این. یک گزارش کار کرد خیلی دقیق و موبه‌مو.

● زندگی ساده‌تر، مبارزه بیشتر

همیشه می‌گفت شما هر چه قدر ساده زندگی کنید، بیشتر می‌توانید مبارزه کنید. اعتقادش هم این بود که آن‌هایی که نتوانستند ساده زندگی کنند، نتوانسته‌اند مبارزه هم بکنند برای همین همیشه از سال‌های اول از دواج، سال‌هایی که با حقوق معلمی روزگار می‌گذرانیدیم، به عنوان بهترین و شیرین‌ترین دوران زندگی‌ش یاد می‌کرد.

● فقط نان و آب

از غذای زندان نمی‌خورد. از بیرون خبر آورده بودند که شاید مسموم باشد. غذایش فقط نان و آب بود. گفتیم: «آخه شما چه طوری نون و آب می‌خوری؟ دیدگه داره حال‌م از این که می‌بینم نون و آب می‌خورید، به‌دمی شه». گفت: «اگر کسی بیرون زندان نان و آب خوردن را تمرین کرده به آن

● اگر شما باشید خیال من آرام‌تر است

بهشتی به خدمت امام خمینی (ره) که در بیمارستان بستری است، می‌رسد و برنامه‌اش را مبنی بر این که دیگر نمی‌خواهد کار حکومتی انجام دهد برای امام توضیح می‌دهد. امام در پاسخ می‌گوید: «اگر شما باشید خیال من راحت‌تر است.» شهید بهشتی می‌گوید: «اگر اجازه بدهید چند نفر را معرفی می‌کنم که شما با آن‌ها هم خیالتان راحت باشد.» امام تصمیمش را گرفته «اما اگر شما باشید قلب من آرام می‌گیرد.» دیگر چه می‌توانست بگوید؟ گفت: «اگر شما تکلیف می‌کنید، قبول می‌کنم.» و امام فرمودند: «تکلیف می‌کنم.» (بر گرفته از کتاب «سید محمد حسین بهشتی»، افسانه‌وفا)

● تا این حد دقت!

مدرسه رفاه که بودیم، هر کس ماشینش خراب می‌شد برای تعمیر به مسئول سرویس مدرسه مراجعه می‌کرد. یک بار دکتر ماشینش را برای تعمیر آورد، یک یادداشت بلند بالا به‌آن ضمیمه کرده بود که مثلاً در سرعت ۷۵ کیلومتری